

## چه کسانی مدعی مبارزه‌ی "تروریستی" اند؟!

شباهنگ راد

چهره‌ی سرمایه‌داران تهوع‌آور است. دولت‌مردان حاکم، چند گوشه‌ی جهان را به‌میادین جنگ، کُشت و کُشتار محروم‌ترین اقشار جامعه تبدیل نموده‌اند و روزانه دارند، جان هزاران تن را می‌گیرند تا طبقه‌ی سرمایه‌دار، بر حیات بناحق خویش تداوم بخشد. آنان از یک‌سو به تولید و باز تولیدِ عناصر و دسته‌جات مسلح و ارتجاعی می‌پردازند و از سوی دیگر، به خیابان‌ها سرازیر می‌شوند و ندای "مبارزه" با نوکران خود را سر می‌دهند. حمله‌ی دو مرد مسلح به دفتر خبرنگاران و مجله‌ی طنزپرداز "چارلی ابدو"، که منجر به کشته و زخمی شدن چند تن از کارمندان آن گردیده است، بار دیگر بر شدت و بر سامان‌بخشی مبارزه با "تروریست"ها از جانب دولت‌مردان حاکم افزوده است؛ "مبارزه" ای که دولت‌های مدافع‌ی سرمایه و از جمله دولت فرانسه را واداشته است تا بر تدابیر نظامی خود بی‌افزاید و هزاران نیروی مسلح را به‌منظور برقراری نظم و امنیت "جامعه"، وارد نقاط مختلف فرانسه نماید!! در وحله‌ی نخست، جنایت به‌وقوع پیوسته در دفتر مجله‌ی طنزپرداز فرانسه، محکوم و قابل دفاع نیست و طبعاً هدفِ این‌نوع حملات، تنگ‌تر نمودن حلقه‌ی آزادی بیان و دموکراسی‌های نیم‌بند درون جامعه، و همچنین در خلافِ خواسته‌های بنیادی کارگران و زحمت‌کشان است. مولد این نوع تحرکات سرمایه‌دارانند و به‌همین دلیل لازم و ضروری‌ست تا آنرا در بستری فراتر از نقشه و اهداف دو عنصر مسلح و مرتجع، و در چهارچوبه‌ی سازمان‌دهی جناح‌های رقیب و نقشه‌های کلان امپریالیستی مورد بازنگری و بررسی قرار داد. دهه‌هاست که سرمایه به‌منظور پاسخ‌گوئی به بحران‌گریبان‌گیرش، در پی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های متفاوت در سرتاسر نقاط دنیاست و بر خلاف عوام‌فریبان و ساده‌اندیشان، کم‌ترین غیر هم‌سوئی‌ای را نمی‌توان، مابین اعمال شنیع و ضد انسانی‌ای هم‌چون حمله به مجله‌ی دفتر "چارلی ابدو"، با دیگر جنایات قدرت‌مداران و جانیان جهانی هم‌چون اوندلا، تنانیاها و ... به مردم محروم منطقه‌ی خاورمیانه و دیگر نقاط دنیا یافت. پُر واضح است که، این‌دست تحرکات و کُشتار خبرنگاران "چارلی ابدو"، با هر رنگ و پرچمی، از همان سیاست و از آبشخور واحدی تغذیه می‌شوند که دهه‌هاست مردم محروم منطقه‌ی خاورمیانه شاهد آنند. صدها نمونه را می‌توان در تصدیق این حکم و آن‌هم در دنیای به اصطلاح مهد تمدن و آزادی، ردیف نمود و نشان داد که اقدامات از نوع دفتر "چارلی ابدو"، ساخته و پرداخته‌ی دم و دستگاه‌های سرمایه، و همچنین پیش درآمد نقشه‌های نا اجرای، دولت‌مردان بزرگ جهانی بر جان و مال کارگران و زحمت‌کشان دنیاست. به دیگر سخن، خطاست تا چنین اعمال شنیع‌ای را در خلافِ باندها و جناح‌های رنگارنگ متفاوت سرمایه برآورد نمود، و همچنین بناصیحت‌ست، تا واقعه‌ی پاریس را صرفاً و صرفاً، در زورق و در قالب‌هایی هم‌چون "بنیادگرایی اسلامی" و "تروریستی" پیچید. طرح چنین قالب‌بندی‌های، آگاهانه و یا ناآگاهانه، در انطباق با سیاست‌های قدرت‌مداران بزرگ جهانی‌ست و ربطی به آرمان میلیون‌ها توده‌ی رنج‌دیده و محروم - نه‌داشته و - نه‌دارد.

در حقیقت سرمایه در این چند دهه، عریان و آشکاراً، هزاران عنصر و دسته‌جات مسلح و ارتجاعی را به‌منظور پیش‌رفت سیاست‌های منفعت‌جویانه‌اش علم نمود و مسلحانه به جان مردم انداخت تا حیات طبقه‌ی سرمایه‌داری، پا بر جا به‌مانند؛ دهه‌هاست که دارد جنگ به‌راه می‌اندازد و جوامعی متفاوت را ناامن و میلیون‌ها انسان را از خانه و کاشانه‌شان و آن‌هم به بهانه‌ی برقراری دموکراسی و "مبارزه" با "تروریست" راند، تا نظم دل‌به‌خواهی خود را بر قرار نماید. ایجاد رعب و وحشت گسترده‌تر، و تخریب زیر ساخت‌های جوامعی سودده، و همچنین باز تولید دسته‌جات مسلح متفاوت و متعاقباً، "مبارزه" با وابسته‌گان خود، این‌روزها به سیاست‌روتین و روزمره‌ی قدرت‌مداران بزرگ جهانی در چند گوشه‌ی جهان تبدیل گردیده است. اسناد و مدارک مکتوب در این زمینه فراوانند و کم‌ترین ناروشنی‌ای در ماهیت تحرکات سرمایه‌داران و دیگر دار و دسته‌های‌شان نیست و در مقابل آنچه را که این‌روزها نیاز به تعمق و توضیح فراترست، نگاه به هم‌صدا و هم‌سو شدن بعضاً به اصطلاح نیروهای

مدافعی مردمی، و همچنین به صف شدن بیش از یک میلیون انسان، در پشت سر، بیش از پنجاه تن از سران و مقامات کشورهای متفاوت جهان، و جانیانی همچون اولاند، مرکل، نتانیاهو، پادشاه اردن و .. در فرانسه می‌باشد.

براستی که دنیای عجیبی شده است و کسانی به خیابان‌ها سرازیر شدند و ادعای مبارزه با تروریسم و خشونت، و همچنین مخالف گُشت و گُشتار مردم و محرومان‌اند که پرونده‌ی‌شان مملو از جنایت و انباشته از بگیر و به بندها و مثله نمودن بدن کمونیست‌ها، در درون زندان‌ها، و همچنین در کوچه و پس کوچه‌های سرتاسر دنیاست؛ کسانی این‌روزها شعار و نغمه‌ی برقراری امنیت و آسایش مردمی و همچنین آزادی بیان مخالفین، روزنامه‌نگاران و طنزپردازان را سر داده‌اند، که خود سازماندهی اصلی و سردمدار تعرض به جان و مال کارگران و زحمت‌کشان، شکستن قلم‌ها و قطع زبان آزادی‌خواهان و کمونیست‌ها می‌باشند. واقعیت این است که جانیان به صف شده در "اتحاد" پاریس به‌همراه دیگر همپالگی‌شان در سرتاسر جهان، نقشه‌پرداز، مسبب و بانی حمله به دفتر "چارلی ابدو" اند و خام‌اندیشی و خطاست، تا چنین "مخالفت‌هایی" را به حساب مخالفین طبقاتی و حقیقی گُشت و گُشتار آزادی‌خواهان به‌گذاریم. حمل چنین نظری، تظہیر چهره‌ی واقعی جانیانی همچون اولاند و دیگر سران به صف شده در "اتحاد" پاریس است. اشتباه فاحش است تا اهداف و خواسته‌های دولت‌مردان حاکم را در کنار خواسته‌ها و اهداف میلیاردها انسان دردمند قرار دهیم و بدون کم‌ترین تردیدی، اشاعه‌ی چنین تفکری اغتشاش طبقاتی‌ست و به‌همین سبب، چنین تجمعات سازمان‌یافته‌ای را نه‌باید و نمی‌بایست به حساب تمایلات سیاسی مردمی واریز نمود و به‌هر دلیل و بهانه‌ای، آنرا در زورق آزادی بیان پیچید. چرا که ابعاد تخریب و ادامه‌دار زنده‌گانی مردم لیبی، افغانستان، عراق، سوریه، سومالی، افریقا و اروپا و دیگر گوشه‌های جهان، توسط سرمایه‌داران، آن‌چنان زیاد و دردناک است که با هیچ قلم و زبانی نمی‌توان آن‌ها را به تصویر در آورد و بر زبان راند. در زیر سلطه‌ی حاکمان، درددردی و فقر رو به فرابنده، کم‌میلیاردها انسان دردمند را خُرد نموده است؛ فقر و درددردی که بانی آن سران کشورهای شرکت‌کننده در "اتحاد" پاریس و آن‌هم به‌همراه دیگر دولت‌مردان بزرگ بین‌المللی‌اند که دارند، تحت لوای "برقراری نظم نوین جهانی" و در تداوم نقشه‌های امپریالیستی در پنج گوشه‌ی جهان مرتکب جنایات شنیع می‌شوند. با این اوصاف شرکت در تظاهرات سازمان‌یافته‌ی دولتی، چیزی جز تظہیر چهره‌ی کثیف جانیان بشریت و مسیبین اوضاع کنونی، چیزی جز به انحراف کشاندن حلقه‌ی اصلی مخالفت و مبارزه، و همچنین چیزی جز، در پس پرده نگه‌داشتن فجایعی خون‌باری همچون حمله به دفتر روزنامه‌نگاران و طنزپردازان "چارلی ابدو" نیست.

در یک کلام مسبب و بانی چنین قساوتی، سران شرکت‌کننده در تظاهرات پاریس‌اند و هدف‌شان، تنگ‌تر نمودن آزادی‌های نیم‌بند و به‌دنباله‌ی آن به‌جان هم انداختن مردم و آن‌هم به بهانه‌ی فرقه‌ای - مذهبی‌ست؛ هدف خدمت به جناح‌های خودی و پس زدن جناح‌های رقیب و رفع بحران دائم‌التزاید طبقه‌ی سرمایه‌داری‌ست؛ هدف ناامنی هر چه بیشتر و جلوگیری از اعتراضات رادیکال و مردمی و آن‌هم به بهانه‌ی مبارزه با "تروریسم" است؛ هدف افزایش بیش از این بودجه‌های نظامی و چفت و بست‌های هر چه بیشتر امنیت سرمایه در درون جامعه است. در حقیقت "اتحاد" یکشنبه‌ی پاریس، اتحاد سرمایه‌ی علیه بشریت، علیه آزادی بیان و علیه یگانه‌گی مردمی در اوضاع و احوال کنونی‌ست و طبعاً دنیای انسانی، با چنین ترفندها و اتحادهایی، کم‌ترین هم‌سوئی و قرباتی - نه‌داشته و - نه‌دارد و نه تنها در تخالف با آن قرار دارد، بلکه با تمام وجود، خواهان افشاء و خواهان رو شدن سیاست‌های پنهان سرمایه، در بروز حوادث فجیعی‌ای همچون "چارلی ابدو"ست.

از منظر مدافعین کارگران و زحمت‌کشان، عملاً تفاوت طبقاتی، سیاسی و عملی‌ای، مابین گُشتار روزنامه‌نگاران و طنزپردازان و همچنین سازمان‌دهنده‌گان "اتحاد"هایی همچون پاریس نیست؛ به این دلیل روشن که هر دوی آن‌ها، مدافعی اسارت هر چه بیشتر مردمی و مدافعی منافع طبقه‌ی سرمایه‌داری‌اند؛ هدف و مقصود دولت‌مردان بزرگ جهانی، دامن زدن و راه‌اندازی بیش از این جنگ‌های قومی - قبیله‌ی و همچنین گسرنده‌گی هر چه بیشتر ناامنی‌ها در درون جوامعی متفاوت است؛ قصدشان سازمان‌دهی و هجومی تازه و به بهانه‌ی مقابله

با تروریسم و امثالهم به جوامعی سودده، می‌باشد. بنابراین دمیدن از شیپور سرمایه و آن‌هم تحت لوای مبارزه با "بنیاد گرائی اسلامی" و "تروریسم"، ناصحیح و به تبعی آن، نمایانگر عدم درک حقیقی از سیاست‌های امپریالیستی در دوره کنونی‌ست.

18 دسامبر 2015

28 دی 1393